



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ طریقه‌ی شناخت خلیفه‌ی خداوند (معجزه و نص)

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: یونس

تاریخ: ۱۳۹۶/۸/۲۶

لطفاً در مورد معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام و خرافاتی که در این باره هست و همچنین معجزاتی که به افراد دیگر نسبت داده می‌شود، روشنگری بفرمایید.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۸/۳۰

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. «معجزه» که در کتاب خداوند «آیة»، «بیئة» و «آیة بیئة» نامیده شده، به معنای کاری است که انجام آن برای غیر خداوند ممکن نیست و مدعی انتصاب از جانب خداوند به منصبی ممکن، برای اثبات ادعای خود آن را انجام می‌دهد. معجزه به این معنا، یکی از دو طریق موجود برای شناخت مدعی راستگو از دروغگوست، هر چند طریق دیگر که «نص» نامیده می‌شود نیز ملاً به آن باز می‌گردد؛ زیرا تنها نص صاحب معجزه یا کسی که صاحب معجزه او را تصدیق کرده، حجت است.

۲. مدعی انتصاب از جانب خداوند به منصبی ممکن، هرگاه از نص صاحب معجزه یا کسی که صاحب معجزه او را تصدیق کرده است، برخوردار نباشد، چاره‌ای جز اظهار معجزه ندارد؛ زیرا بدون اظهار معجزه، یقین عقلاً به صدق ادعای او ممکن نیست و تکلیف آنان به آن با این وصف تکلیف ما لا یطاق محسوب می‌شود که قبیح است و تبعاً دلیلی کافی بر کذب او خواهد بود؛ چرا که مسلماً قبیح از خداوند صادر نمی‌شود. با این وصف، اظهار معجزه برای پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم

۱. بنگرید به: پرسش و پاسخ ۱۷۶.

ضروری بود؛ چراکه در زمان ظهور او صاحب معجزه یا نصی ظاهر نبود تا با نص خود او را از اظهار معجزه بی‌نیاز کند و از این رو، او کتابی آورد که آوردن مانند آن، بلکه ده سوره مانند آن، بلکه یک سوره مانند آن برای غیر خداوند امکان نداشت^۱ و این معجزه‌ای بود که با گذشت چهارده قرن از اعتبار آن کاسته نشده، بلکه با افزایش دانش بشر، بر اعتبار آن افزوده شده است. هر چند معجزه‌ی او منحصر به آن نبود و معجزات دیگری نیز از او ظاهر شد که در روایات متواتر یا مشهور از آن‌ها خبر داده شده و در کتبی با عنوان «دلائل النبوة» گرد آمده است.

۳. مدعی انتصاب از جانب خداوند به منصبی ممکن، هرگاه از نص صاحب معجزه یا کسی که صاحب معجزه او را تصدیق کرده است، برخوردار باشد، نیازی به اظهار معجزه ندارد، بل اظهار معجزه توسط او تحصیل حاصل است که از خداوند صادر نمی‌شود؛ مگر از باب فضل و کرامت برای افزایش علم و ایمان که ضروری نیست. با این وصف، اظهار معجزه برای امامان اهل بیت - بنا بر اعتقاد به انتصاب آنان از جانب خداوند - ضروری نبود؛ چراکه در زمان هر یک از آنان، صاحب معجزه یا نصی ظاهر بود تا با نص خود او را از اظهار معجزه بی‌نیاز کند و از این رو، هیچ یک از آنان ادعای معجزه نداشت؛ به این معنا که مردم را با استناد به معجزه‌ی خود به تصدیق انتصابش از جانب خداوند دعوت نمی‌کرد، بلکه همه‌ی آنان مدعی نص بودند؛ به این معنا که مردم را با استناد به روایات متواتر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم یا امام پیشین درباره‌ی خود، به تصدیق انتصابشان از جانب خداوند دعوت می‌کردند؛ مانند علی بن ابی طالب که از صحابه می‌خواست در مسجد قیام کنند و نزد مردم شهادت دهند که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم، او را به ولایت بر مردم منصوب کرد^۲. این به معنای آن است که امامان اهل بیت، نیازی به معجزه نداشتند تا ادعای آن را داشته باشند، هر چند کراماتی از آنان صادر شد و عجائب و غرائبی نیز به آنان نسبت داده شد که ساخته‌ی غالیان بود و بعدها در کتب اخباریان شیعه گرد آمد و به تصوّرات خرافی درباره‌ی آنان دامن زد و این مراد علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در فرازی از کتاب «بازگشت به اسلام»^۳ است که می‌فرماید:

«بنا بر آنچه از تاریخ ثابت است، پیشوایان اهل بیت، انسان‌هایی دانا و وارسته بوده‌اند که در ظاهر با دیگران تفاوتی نداشته‌اند و مدعی معجزه و علم به غیب نبوده‌اند و از کسانی که درباره‌ی آن‌ها غلو می‌کرده‌اند، برائت می‌جسته‌اند، همچنانکه از دشمنان خود و کسانی که منکر فضل‌شان بوده‌اند، نفرت داشته‌اند».

۱. بنگرید به: پرسش و پاسخ ۷۵.

۲. بنگرید به: مصنف ابن ابی شیبۀ، ج ۷، ص ۴۹۹؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۸۴، ۸۸، ۱۱۸ و ۱۱۹؛ السنّة لابن ابی عاصم، ص ۵۹۳؛ خصائص امیر المؤمنین علی بن ابی طالب للنسائی، ص ۹۶؛ مسند ابی یعلی، ج ۱، ص ۴۲۸؛ أمالی المحاملي، ص ۱۶۲.

۳. ص ۹۶

۴. واپسین امام اهل بیت، مهدی علیه السلام است که بر خلاف امامان پیش از خود، به وسیله‌ی معجزه شناخته می‌شود؛ چراکه در زمان ظهور او صاحب معجزه یا نصی ظاهر نیست تا با نص خود او را از اظهار معجزه بی‌نیاز کند و از این رو، در روایات فریقین وارد شده است که فرشته‌ای از آسمان به نام او ندا خواهد داد و او را به مردم معرفی خواهد کرد^۱ و نظیر برخی معجزات موسی علیه السلام نیز برای او روایت شده است^۲. با این وصف، کسی که خود را مهدی موعود می‌شمارد، چاره‌ای جز انجام چنین معجزاتی ندارد و تصدیق او پیش از مشاهده یا شنیدن خبر متواتر چنین معجزاتی از او جایز نیست و به تصدیق مدعیان دروغین مهدویت می‌انجامد که مهلکه‌ای هولناک است.

۵. بنا بر روایات متواتر فریقین، برای پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم ۱۲ خلیفه وجود دارد که واپسین آنان، مهدی علیه السلام است^۳ و با این وصف، هیچ امام معصوم و مفترض الطاعة‌ای در آخر الزمان، جز مهدی علیه السلام وجود ندارد؛ به این معنا که در این زمان تقلید از هیچ کس جز مهدی علیه السلام تکلیف شرعی محسوب نمی‌شود، مگر اینکه دلیلی کافی از قرآن یا سنت یا عقل برای گفته یا کرده‌ی خود بیاورد و با این وصف، عالمان و مدعیانی که تحت عناوین فریبنده‌ای مانند ولایت یا نیابت، اطاعت از خود را تکلیفی شرعی می‌شمارند، دروغ می‌گویند و مانند دیگران، ملزم به آوردن دلیلی کافی برای هر یک از دعاوی و فتاوی خود هستند؛ همچنانکه رجال موعودی مانند خراسانی و یمانی -بنا بر این فرض که او کسی جز خراسانی و از اهل حق باشد- امامانی معصوم و مفترض الطاعة نیستند، بل عالمان صالحی مانند مالک اشتر نخعی و مسلم بن عقیل هستند که تقلید از آنها به معنای پیروی از گفته یا کرده‌ی شان بدون علم به دلیل شان جایز نیست و با این وصف، مدعیانی که با نام خراسانی یا یمانی، خود را امامانی معصوم و مفترض الطاعة می‌شمارند یا با هر پوشش و ترفندی، مردم را به اطاعت از خود مانند اطاعت از امامی معصوم و مفترض الطاعة فرا می‌خوانند، کذاب هستند، اگرچه مدعی نص یا معجزه باشند؛ چراکه در اسلام چنین جایگاهی جز برای پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و ۱۲ خلیفه‌ی او، تعریف نشده و هر کس شخص دیگری را در این جایگاه قرار بدهد، منحرف و بدعت‌گذار است، بلکه چه بسا مشرک دانسته می‌شود^۴.

۱. بنگرید به: بصائر الدرجات للصفار، ص ۳۳۱؛ مسند الشامیین للطبرانی، ج ۲، ص ۷۲؛ الغیبة للنعمانی، ص ۳۲۸؛ الخصال لابن بابویه، ص ۶۴۹؛ کمال الدین و تمام النعمة لابن بابویه، ص ۶۷۱؛ کفایة الاثر للخزاز، ص ۱۵۱؛ تاریخ موالید الأئمة لابن الخشاب، ص ۴۶؛ عقد الدرر فی اخبار المنتظر للمقدسی، ص ۱۳۵؛ الصراط المستقیم للعاملی، ج ۲، ص ۲۵۲.

۲. بنگرید به: بصائر الدرجات للصفار، ص ۲۰۸؛ الإمامة والتبصرة لعلي بن بابویه، ص ۱۱۶؛ الکافی للکلینی، ج ۱، ص ۲۳۱؛ الغیبة للنعمانی، ص ۲۴۴؛ کمال الدین و تمام النعمة لابن بابویه، ص ۶۷۰.

۳. بنگرید به: بازگشت به اسلام، ص ۲۳۴.

۴. بنگرید به: گفتار ۲۲.



از اینجا آشکار می‌شود که اهتمام شدید مدعیان دروغین به اثبات موعود بودن خود، ناشی از جهل آنان است؛ چراکه موعود بودن آنان -حتی اگر ثابت باشد- دلیل بر وجوب اطاعت از آنان مانند اطاعت از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و ۱۲ خلیفه‌ی او نیست، بل تنها دلیل بر وجوب حمایت از آنان در دعوت به سوی مهدی علیه السلام و زمینه‌سازی برای ظهور اوست که هرگاه واقعیتهای عینی و مشهود بر روی زمین باشد، نیازی به اثبات موعود بودن آنان ندارد؛ چراکه حمایت از آنان به اعتبار دعوت عینی‌شان به سوی مهدی علیه السلام و زمینه‌سازی مشهودشان برای ظهور او واجب است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ﴾؛ «و به یکدیگر در نیکوکاری و پرهیزکاری یاری رسانید». از این روست که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی -بر خلاف مدعیان دروغین- اهتمامی به اثبات موعود بودن خود ندارد، بلکه همه‌ی هم خود را معطوف به دعوت عینی به سوی مهدی علیه السلام و زمینه‌سازی مشهود برای ظهور او کرده است و از مردم توقع دارد که به این اعتبار از او حمایت کنند.^۲ هر چند بنا بر روایات متواتر و مشهور، پیوستن به خراسانی و بیعت با او بر هر مسلمانی -یمانی باشد یا عراقی یا شامی یا ایرانی یا غیره- واجب است^۳ و این دلالتی التزامی بر وجوب اطاعت از او در نظر شارع دارد، ولی آن می‌تواند به اعتبار این باشد که او زمینه‌ساز حکومت مهدی علیه السلام است و برای او و نه برای خود بیعت می‌گیرد و اعتقادی به تقلید از خود ندارد و تبعاً هیچ ادعا یا فتوایی را بدون دلایل روشن عقلی و شرعی اعلان نمی‌کند و با این اوصاف، پیوستن به او و بیعت با او و حتی اطاعت از او، در نظر شارع مفسده‌ای ندارد، بلکه کاری سودمند و عقلایی است؛ بر خلاف پیوستن به کسانی که برای حکومت خود زمینه‌سازی می‌کنند و بیعت با کسانی که به سوی بیعت با خود فرا می‌خوانند و اطاعت از کسانی که خود را بی‌نیاز از دلیل می‌شمارند. این به معنای آن است که وجوب پیوستن به خراسانی و بیعت با او و حتی اطاعت از او، به معنای امامت او نیست، بل به معنای پیروی کامل و آشکار او از امام است که در پیروی کامل و آشکار او از قرآن، سنت و عقل نمایان می‌شود، اگرچه خود مدعی موعود بودن نباشد؛ با توجه به اینکه مدعی موعود بودن -از آنجا که مدعی منصبی خاص از جانب خداوند و پیامبر است و صاحب نص یا معجزه‌ای در زمان او ظاهر نیست- ناگزیر به اظهار معجزه است و اگر به سبب عدم دسترسی مردم به او یا به شمار فراوانی از کسانی که به او دسترسی دارند، امکان اظهار معجزه ندارد، ادعای موعود بودن برای او جایز نیست؛ زیرا تأخیر اظهار معجزه از ادعا، تأخیر بیان از وقت حاجت محسوب می‌شود که قبیح است و از این رو، بر کذب مدعی دلالت می‌کند؛ با توجه به اینکه قبیح از خداوند صادر نمی‌شود.

۱. المائدة/ ۲

۲. بنگرید به: گفتار ۳.

۳. بنگرید به: پرسش و پاسخ ۲۶۵.

۶. شایعات فراوانی میان مردم، درباره‌ی صدور معجزه از اشخاص، اماکن و حتی اشیاء وجود دارد، تا حدی که بسیاری از آنان مدّعی هستند معجزه‌ای را از شخصی یا مکانی یا شیئی دیده‌اند، ولی واضح است که این شایعات قابل اعتماد محسوب نمی‌شود؛ چراکه غالباً صدق یا کذب‌شان معلوم نیست، بلکه چه بسا کذب‌شان معلوم است؛ مانند معجزاتی که به مدّعیان دروغین الوهیت یا نبوت یا امامت یا ولایت مطلقه نسبت داده می‌شود؛ با توجّه به اینکه وجود خدایی جز الله و پیامبری پس از محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امامی پس از امام دوازدهم و ولیّ مطلقى جز پیامبر و خلیفه‌اش ممکن نیست و با این وصف، صدور معجزه از مدّعی آن محال است؛ مگر از باب فتنه برای امتحان مردم تا معلوم شود که کدام یک از آنان به **دجال** ایمان می‌آورد و کدام یک کافر می‌شود؛ چنانکه علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی فرموده است:

«پس اینک هوشیار باشید؛ زیرا شیطان که پدرتان را از بهشت درآورد، شما را با یک امام نمی‌گذارد تا بر او گرد آیید، بل دجالانی از ذرّیه‌ی خود را به میانتان می‌فرستد تا بگویند که ما امامانی برای شما جز مهدی هستیم. پس هنگامی که شما را فرا می‌خوانند و می‌گویند که خواب‌های بسیار دیده‌ایم و روایت‌های درست شنیده‌ایم و نکته‌های نغز گفته‌ایم تا ما را امامی جز مهدی بگیرید، آنان را اجابت نکنید؛ چراکه شما را جز مهدی امامی نیست و آنان لعبت‌های شیطانند که شما را با آنان بازی می‌دهد، تا شما را با آنان سرگرم سازد و از امامتان بازدارد؛ بلکه اگر از آنان معجزاتی شنیدید یا با چشم‌های خود دیدید و گفتند که ما امامی جز مهدی هستیم تا از ما مانند او اطاعت کنید، سخن آنان را نشنوید و بر رویشان خاک بپاشید؛ چراکه خداوند -پروردگارتان- آنان را فتنه‌ای برایتان قرار می‌دهد، تا شما را با آنان بیازماید و ببیند که آیا به عهد او وفا می‌کنید یا آن را می‌شکنید، در حالی که هر کس به عهد او وفا کند، به سود خودش وفا کرده و هر کس عهد او را بشکند، به زیان خودش شکسته و او را عذابی عظیم است. پس به عهد او وفادار مانید و جز مهدی امامی نگیرید، اگرچه سخنان آراسته گویند و کارهای شگفت‌انگیز کنند و شما را بترسانند که اگر به آنان نگرید به عذاب خداوند دچار خواهید شد؛ چراکه سخنان آنان از روی فریب و کارهای آنان از سر جادوست و عذاب خداوند به آنان نزدیک‌تر است؛ هنگامی که ادّعاهای گزاف می‌کنند و روایت‌های نادرست می‌خوانند و خواب‌های پریشان می‌بینند و از ارواح خبیث مدد می‌گیرند و سخنان وسوسه‌انگیز می‌گویند، تا دل‌های سست را بلرزانند و خزده‌های کم را بلغزانند و به سوی این کفر بکشانند که امامانی از جانب خداوند هستند، در حالی که امامانی از جانب خداوند نیستند و عهد او با آنان نیست.

پس زنه‌ار آنان را امام نخوانید؛ چراکه خداوند آنان را امام نخوانده و حجّتی برایشان نازل نکرده است! آیا پس خداوند را از چیزی آگاه می‌کنید که در آسمان‌ها و زمین آگاه نیست یا بر او چیزی می‌بندید که به آن علمی ندارید؟! بی‌گمان این شرکی است که شیطان برایتان آراسته است تا شما را با آن گمراه سازد، در حالی که می‌پندارید هدایت یافته‌اید. آگاه باشید که من شما را به سوی امامتان فرا می‌خوانم و از امامان ساختگی بر حذر می‌دارم، باشد که نجات یابید»^۱.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



۱. گفتار ۱۰۴

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.